

### متن پرسش

سلام استاد: نظرتون رو در باره این دیدگاه که از علامه امینی نقل شده بفرمایید اجتهاد و مرجعیت عبدالحسین امینی معتقد بود اجتهاد [در دنیای جدید] از حیثه قدرت فرد خارج است و باید «هیئت فتوا»ی مقتدر، شجاع و زمان‌شناس تشکیل شود. وی تألیف رساله را برای مرجعیت جهان تشیع که باید جهانی باشد، کافی نمی‌دانست و کسانی را که بدون شایستگی، مقام مرجعیت را بر عهده می‌گیرند، نکوهش می‌کرد و این کار را جنایتی می‌دانست که مساوی از دست دادن همه ارزش‌های تشیع است. او بر این باور بود که باید میان عنوان‌هایی چون مجتهد، صاحب رساله، مقلد، و «مرجع/زعیم جهان تشیع» تفاوت قائل شد و در مرجعیت، علاوه بر شروط معروف (بلوغ، عقل،...) باید شروط دیگری هم در نظر گرفت. امینی معتقد بود صدها جریان فکری، فلسفی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی و نظامی در جهان امروز هست و از همین رو، بر این باور بود که سرپرستی تمامی میراث علمی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی علی و آل علی را نمی‌توان فدای چند سال فقه و اصول خواندن و طلبگی کردن فلان آقا کرد و این همه را نمی‌توان به دست کسانی سپرد که دل‌های ترسو، سینه‌های تنگ، چشمان کوته‌بین، اندیشه‌های منجمد، مغزهای بسته و قلب‌های بی‌حماسه دارند. حکیمی، حماسه غدیر، ۱۳۸۶ش، ص ۲۹۴.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به همین جهت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در نامه‌ای که در همان سال‌های اول انقلاب به علمای محترم شورای نگهبان نوشتند، متذکر این امر شدند که باید آن عزیزان در مسائل جهان خود حاضر باشند و به گفته ایشان علم آن‌ها محدود به مطالبی نباشد که در حجره‌های خود آموخته‌اند. ولی این غیر از مجتهدی است که در امور فردی مکلف، وظایف فردی او را برای او روشن می‌کند که این در جای خود نیز محفوظ است. موفق باشید